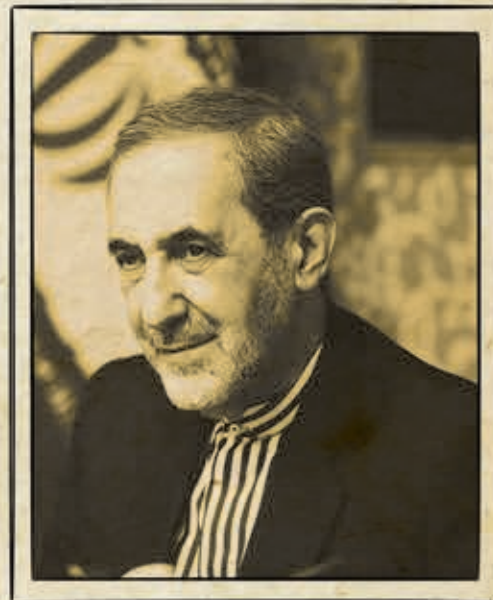




دکتر علی اکبر ولایتی رئیس هیات موسس و هیات امنای
دانشگاه آزاد اسلامی

سیاست خارجی در صدر مشروطه



◆ دولت و مجلس مشروطه چه نقشی در سیاست خارجی ما ایفا کردند؟

در دوره هفده ساله اول مشروطه، از مهرماه ۱۲۸۵ شمسی یعنی گشایش نخستین دوره مجلس شورای ملی تا آبان ۱۳۰۲ که آغاز نخست‌وزیری رضاخان بود، ایران با کشورهای دیگر کمابیش در ارتباط بود و گاه قراردادهای دوستی و بازرگانی و سیاسی هم با آنها امضا کرده است ولی آن قراردادها اثری بیش از مراودات دوستی و بازرگانی یا مناسبات سیاسی ساده نداشته‌اند. اما در این ۱۷ سال کشور ما با چهار قرارداد مهم هم روبه‌رو بوده که نخستین آن پیمانی است که دولت روسیه تزاری و انگلستان در همان سال اول مشروطه (۱۹۰۷) تنظیم و امضا کرده و در آن، درباره تعیین مناطق تحت نفوذ خود و تقسیم منافع شان در ایران، توافق کرده‌اند. البته غیر از قرارداد ۱۹۰۷، سه قرارداد دیگر هم - در سال‌های ۱۹۱۵ (۷ آبان ۱۲۹۴) میان ایران و آلمان؛ ۱۹۱۹ (۱۷ مرداد ۱۲۹۸) میان ایران و انگلستان و ۱۹۲۱ (۸ اسفند ۱۲۹۹) میان ایران و شوروی - در همین دوره، یعنی دوره مشروطه در سلطنت قاجارها، به امضا رسیده است. این چهار قرارداد هر یک به گونه‌ای و برای مدتی در سیاست خارجی و داخلی کشور ما موثر بوده‌اند؛ خصوصاً قرارداد ۱۹۰۷ که میان روسیه و انگلستان راجع به ایران (و موارد دیگرش به این اهمیت نیست) امضا شده، به‌وضوح نقش استعماری داشته و تا ۱۲ سال آثار آن تقریباً بر تمام سیاست خارجی ما مشهود است.

◆ آقای دکتر از آنجا که بررسی تمامی قراردادهای این دوره مقدور این مصاحبه نیست، با اجازه صرفاً به قرارداد ۱۹۰۷ می‌پردازیم که شاید در موقع انعقاد آن، مشروطه نیز از حرارت و جدیت بیشتری برخوردار بود. قرارداد ۱۹۰۷ چگونه تنظیم شد و چطور این دو دولت خارجی به نتیجه رسیدند که راجع به ایران، به تقسیم منافع رضایت دهند؟

در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶، روس و انگلیس از گسترش نفوذ آلمان از طریق عثمانی به ایران نگران بودند. شکست روس از ژاپن و گرفتاری روس در منچوری، آن دولت را به رفع اختلاف با انگلیس درباره افغانستان

و هر روز فضاحت بیشتری به‌بار می‌آید؛ تا آنجا که از شاهان ایرانی افراد مسلوب‌الاراده‌ای باقی می‌ماند که قادر به انجام هیچ کاری نیستند. ایران در حالی درجا می‌زد (یا حتی عقب می‌رفت) که اروپا چاراسیه به پیش می‌تاخت و هر روز فاصله ما با کشورهای صنعتی بیشتر می‌شد.

در این وضع، روابط خارجی ایران با دولت‌های خارجی، براساس رابطه حاکم و محکوم بنا شده بود. فساد دربار قاجار، عقب‌ماندگی علمی، رقابت روسیه و انگلستان و نقش انحرافی ایران به‌عنوان حائل بین «توسعه‌طلبی روسیه» و «منافع انگلستان» و شبه‌قاره هند و ...، عناصر اصلی سیاست خارجی آن دوران ایران بود.

اما از زمان فتحعلی‌شاه، علماً جدی‌تر به صحنه سیاست و سیاست خارجی وارد شدند. مرحوم سیدمحمد مجاهد و ملااحمد نراقی برخلاف نظر فتحعلی‌شاه علیه روسیه تزاری اعلام جهاد کردند. میرزا مسیح مجتهد تهرانی علیه گریبایدوف (وزیرمختار روسیه) فتوا داد.

مرحوم سیدمحمدباقر شفتی در زمان محمدشاه (در جریان محاصره هرات) با وزیر مختار انگلستان برخورد کرد. مرحوم حاج‌ملاعلی کنی در قضیه قرارداد رویتر و عزل میرزا حسین‌خان سپهسالار برخوردی قاطع داشت. فتوای مرحوم میرزای شیرازی و سیدمحمد تقی خوانساری و سیدمصطفی کاشانی علیه انگلستان در جریان جنگ جهانی اول و درگیری مرحوم مدرس با عوامل انگلستان و محوریت مرحوم سیدابوالقاسم کاشانی علیه انگلستان در مبارزات مربوط به ملی شدن نفت و نهایتاً رفع نفوذ مستقیم و آشکار بیگانگان از ایران، دستاورد مبارزات مردمی و نشان‌دهنده نقش روحانیت در این مبارزات است.

در پاسخ به پرسش شما می‌توان گفت شوک ناشی از جنگ‌های ایران و روسیه و معاهدات ننگین گلستان و ترکمانچای، مردم را به حرکت آورد. هجوم مردمی به جبهه‌های جنگ ایران و روسیه براساس فتوای علما و به‌رغم نظر شاه، حادثه مهمی در تاریخ ایران بود که برای اولین بار اتفاق افتاد و مردم نقش جدی در مسائل - خصوصاً در مسائل خارجی - به‌عهده گرفتند.

◆ آقای دکتر، مبارزات مردمی ما از چه زمانی متوجه وضع بین‌المللی و سیاست خارجی شد؟

در زمان فتحعلی‌شاه قاجار دو دوره جنگ‌های ایران و امپراطوری روسیه به ما تحمیل شد. از دست رفتن قفقاز و تحمیل قرارداد ترکمانچای به ایران، برای اولین بار قضاوت کنسولی (capitulations) را در ایران باب کرد. در این میان عباس میرزا برای جبران شکست دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه، در سال ۱۸۲۶ به روسیه حمله کرد ولی با فشار پاسکویچ که مجهز به ابزار جنگی پیشرفته بود، عقب نشست. محمدشاه نیز که قلعه هرات را محاصره کرده بود، با دسیسه انگلستان تن به جدایی هرات و تحمیل قرارداد ننگینی دیگر داد.

ناصرالدین‌شاه نیز که حسام‌السلطنه را مامور فتح هرات کرده بود، با تهدید نیروی دریایی انگلستان و اشغال مناطق جنوب مواجه شد. این حوادث مهم تاریخ سیاسی کشور ما، متأسفانه شاهان قاجار را به این نتیجه رساند که چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر فشارهای سیاسی خارجی ندارند.

از این پس سرنوشت ایران بازیچه سفارتخانه‌ها می‌شود

در این ۱۷ سال کشور ما با چهار قرارداد مهم هم روبه‌رو بوده که نخستین آن پیمانی است که دولت روسیه تزاری و انگلستان در همان سال اول مشروطه (۱۹۰۷) تنظیم و امضا کرده و در آن، درباره تعیین مناطق تحت نفوذ خود و تقسیم منافع شان در ایران، توافق کرده‌اند